

یکی از سؤالات اساسی این است که **با وجود علوم و فنون مختلف، بحث کردن در موضوع مهدویت چه ضرورتی دارد؟**
(آیا این بحث، یک بحث فرعی است یا جزء مباحث مهم و اصلی زندگی است؟ آیا سخن از مهدویت، بزیاری از نیازهای امروز ماست و می تواند تحولی اساسی در زندگی ما ایجاد کند؟

روشن است که شناخت ضرورت و بایستگی این موضوع، سبب تقویت انگیزه و نشاط در پیگیری ایسن بحث و به کار گیری تمام امکانات مادی و معنوی در جهت ترویج این عقیده و راهبرد اساسی زندگی خواهد شد. بر اساس متون دینی، امامت و مهدویت، هویت اصلی و اساسی مسلمانان است و به همین دلیل در رأین توصیه‌های پیامبر عظیم‌النشان اسلام(ص) بوده است. امامت، اصلی است که در راستای اصول مهم دین، یعنی توحید و نبوت، طرح شده و مکمل و متمم آن اصول است.

در مطلب حاضر ضرورت‌های پر داختن، به بحث مهدویت در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. **بُعد اعتقادی**

بدون شک، اعتقاد، رکن اصلی شخصیت انسان است که اعمال و رفتار آدمی را شکل می‌دهد؛ به همین دلیل، انبیای الهی در جهت اصلاح عقاید انسان‌ها کوشیدند. در اسلام، مردم به اعتقاد به خدا و پیامبر و سپس جانشینان پیامبر دعوت شده‌اند و امام‌مهدی(عج) آخرین جانشین رسول خداست که هر مسلمانی مکلف است پس از شناخت او امامتش را بپذیرد و مطیع او باشد. در متون دینی، معرفت امام، جایگاه بسیار مهمی دارد و اساس سعادت دنیا و آخرت دانسته شده است. قرآن کریم می‌فرماید: *یوم ندعوا کلّ اناس بامامهم*^(۱) روز قیامت، هر گروهی را با امام و پیشوای خود فرا می‌خوانیم. و پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة^(۲) هر کس بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نشناخته است، به مرگ جاهلیت مرده است.

امام حسین(ع) نیز در پاسخ کسی که پرسید: «[راه] معرفت خدا چیست؟» فرمود: [راه] شناخت خدا [و اطاعت از او] این است که مردم هر زمان، امام زمان خود را - که اطاعتش بر آنها واجب است - بشناسند.^(۳) این همه تأکید بر اعتقاد به امام و لزوم شناختن او برای این است که پس از پیامبر خدا، «امام» راه مستقیم الهی است. هر کس بخواهد به خدا ایمان داشته باشد و از او اطاعت کند، باید از امام زمانش فرمان برد و لازمه اطاعت، شناختن امام و پذیرفتن امامت اوست.

امام باقر(ع) می‌فرماید: لا یكون العبد مؤمناً حتی یعرف الله و رسوله و الائمة کلهم و امام زمانه و برّذّ الیه و یسلّم له^(۴) هیچ بنده‌ای مؤمن نیست، مگر اینکه خدا و رسول او و همه امامان و امام زمانش را بشناسد و (همه امور را)به او برگرداند و تسلیم [امر] او باشد.

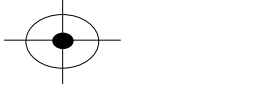
به دلیل همین اهمیت و لزوم معرفت است که اهل بیت سفارش کرده‌اند که «معرفت» را از خدا بخواهید: - اللهم عَرِّفْنی حجتک فانک ان لم تُعَرِّفْنی حجتک ضللت عن دینی،«خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی، از مسیر دین الهی، گمراه خواهم شد.

درکنه مهم دیگر، این است که «معرفت امام» مثل «ایمان به خدا»، مراتب و درجات مختلفی دارد و هر کس به اندازه شناخت و معرفتش از امامت امام، بهره می‌گیرد. روشن است که شناخت نام و نسب امام، کافی نیست؛ بلکه کمترین حدّ معرفت، آن است که شخص بداند امام، منصوب از طرف خداست که به وسیله پیامبر یا امام پیشین به مردم معرفی می‌شود. او برخوردار از دانش الهی - و نه بشری - و معصوم و از خطایی است. اطاعت از او در تمام امور، واجب و به منزله اطاعت از پیامبر و خداست.

۲. **بُعد اجتماعی**

مهدویت از نظر اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ زیرا مهدویت نگاه روشن و امیدوارانه به آینده بشریت است. جامعه‌ای که آرامش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه‌ای امیدوار است که در پروتو دین، به حرکت و نشاط و پویایی، امید دارد و از یأس و نومیدی در امان خواهد بود.

نیز جامعه‌ای که به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می‌پردازد و با ارزش‌های اسلامی و انسانی احیا می‌شود. بدینسان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با پلایم فرهنگی شدن، بسترسازی برای ترویج فضائل در افراد جامعه است؛ بویژه که شناخت عمیق



افراد نسبت به امام‌مهدی(ع) با افزایش عشق و محبت آنها، زمینه اطاعت از امام را بیشتر فراهم می‌کند.

همچنین جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دلبسته است و آرامش تحقق عدالت در همه جهان و پرچیده شدن ظلم و ستم از همه زمین است، حرکتی عدالت‌خواهانه را در پیش می‌گیرد و برای آن، زمینه‌سازی می‌کند. از همین‌جاست که حرکتها یا رویکرد عدالت طلبی و ظلم ستیزی شکل می‌گیرد؛ چنانکه انقلاب اسلامی ایران با هدف زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی(ع)به راه افتاد و مُلّت با همین انگیزه و آرزو، تمام امکانات مادی و معنوی‌اش را در مسیر انقلاب فنا کرد.

* مهدویت از بعد سیاسی «نظام ولایت فقیه» را به عنوان نیابت از مهدی(ع) در زمان غیبت، طرح می‌کند و الگوی مناسبی از حکومت صالحان و نیکان را به جهانیان ارائه می‌نماید. این نظام سیاسی، تداوم نظام سیاسی مهدوی است و پذیرش و سر سپردن به فرمان ولی فقیه، در ادامه اطاعت‌پذیری از امام زمان است. بنابراین مهدویت، ضامن شکل‌گیری یک نظام الهی به سرپرستی فقیه جامع شرایط است که حرکت جامعه اسلامی را در جهت آرمان‌های قرآنی و مهدوی قرار داده، امت را برای فراهم کردن زمینه‌های ظهور مهدی و حکومت جهانی او بسیج می‌کند.

انذای بعضی از گمراهان، مهدویت، سخن امروز و دیروز نیست؛ بلکه تاریخی به گستره تاریخ اسلام دارد؛ پس بحث کردن درباره مهدویت، سخن گفتن درباره متن اسلام و قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) است و مهدویت، حقیقتی است که همه تاریخ اسلام، پشتوانه آن است.

نیز تاریخ طولانی شیعه و پیروان اهل بیت گواه است که بخش مهمی از هویت تشیع، مهدویت و انتظار ظهور مهدی(ع) بوده است؛ بویژه در طول حدود دوازده قرن غیبت امام مهدی، آثار علمی و عملی عالمان شیعه پیوسته در مسیر ترویج این حقیقت و تبیین موضوعات و مسائل آن بوده است.

۵. **بُعد فرهنگی**

از مهم‌ترین وظایف ما، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی ظهور و فرج امام عصر(ع) است. در این بخش باید راهبردی اساسی و روشن، پیش‌رو داشته باشیم که برخی از محورهای آن به شرح زیر است:

۱. **تبیین و ترویج فرهنگ انتظار**

انتظار به معنای آمادگی برای امر ظهور است. لازم است همه امکانات و توانایی‌های جامعه در مسیر زمینه‌سازی و تحقق ظهور سازماندهی شود و همه عناصر مؤمن و منتظر فرج برای این هدف بزرگ، بسیج شوند. شکل‌گیری چنین فرآیندی به یک برنامه جامع و کامل نیاز دارد که اهداف یاد شده را در نظر بگیرد و مسیر روشنی را برای تحقق آنها ترسیم کند.

۲. **آسیب‌شناسی**

مهدویت، یک عقیده اسلامی و راهبرد اساسی برای پیشرفت همه جوامع بشری و بویژه جامعه بزرگ اسلامی است.

همه باید هوشیار باشند که برخی آسیب‌های فرهنگی، سبب انحراف در عقاید و باورهای مردم نشود و مفاهیم بلند مهدوی را به معنای پست و فرودست نکشاند؛ برای نمونه، تفسیر غلط از انتظار مهدی(ع) یا تعیین وقت برای ظهور، آسیب‌هایی است که این مجموعه فرهنگی نجات‌بخش را تهدید می‌کند و آثار ارزشمند و حیاتیخش آن را مخوش می‌نماید. بنابراین همگان بویژه متولیان فرهنگ جامعه باید مراقب انحرافات باشند و پیوسته مسیر صحیح را برای قشرهای مختلف بیان کنند.

۳. **دشمن‌شناسی**

دشمن از هر سلاخی استفاده می‌کند تا از رشد تفکر مهدویت در جامعه، جلوگیری کند. بویژه در این زمان با توجه به تنوع ابزارهای فرهنگی، این سیاست شیطنانی با امکانات بیشتری دنبال می‌شود. فضای مجازی اعم از سایت‌ها و وبلاگ‌ها و غیره، مجلات، کتب و حتی فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری عرصه‌ای است که دشمن برای تخریب فرهنگ مهدویت از آنها بهره می‌گیرد. معتقدان و منتظران مهدی(ع) باید بکوشند با شناخت عمیق از مهدویت از همین ابزار و در جهت مقابله با ترفندهای دشمن و خنثی‌سازی عملیات خرابکارانه مخالفان مهدویت بهترین بهره را ببرند.

«بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)»

۱. اسراء، ۷۱.
۲. کمال‌الدین و تمام النعمة، مترجم منصور پهلوان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۴. **بُعد تاریخی**

مهدویت از بعد تاریخی، سابقه‌ای طولانی دارد. تاریخ اسلام و مسلمانان از همان آغاز با این موضوع گره خورده است. در روز بزرگ غدیر، پیامبر(ص) همگان با معرفی امام علی(ع) به عنوان امام پس از خود، همه امامان و از جمله حضرت مهدی(ع) را معرفی کرد و ظهور او را به همگان بشارت داد. پس از آن، یک یک امامان از حضرت مهدی و ظهور او گفتند. بنابراین برخلاف

وقف روح و جان برای امام زمان (عج)

سید محمود بحر العلوم میردامادی



در وقف که حبس مال و دارایی برای یک کار خدایی و دینی است، واقف، زمین یا ساختمانی را برای خدا در خدمت محبتین و منتظرین قرار می‌دهد ولی گاهی می‌شود در عمل به «ابطوا» و «کونوا مع الصادقین» واقف دل و جانش را وقف یار و ولیّ پروردگار می‌کند و مثل حبیب به پایوسی طیب می‌پردازد. اینجاست که اشک بر امام حسین (ع) رنگ خون می‌گیرد و واقف، خون‌گریه می‌کند. واقف اینجیندی را هر آنچه غیر از مال آزاد است و خود را محبوس حبّ او نموده، دل را برای حبّ الهی عبداً احیا کرده است. بهترین مصداق وقف روح و جان بر امام و ولیّ الهی، شهدای کربلا و اصحاب خاتن ائمه در زمان غیبت، علمای ربّانی و مدافعین حریم امامت و ولایت می‌باشند. امام باقر(ع) به عبدالحمید واسطی فرمود: «یا عبدالحمید اترى من حیث نفسه علی الله لا یجعل الله له مخرجاً؟ بلی والله لیجعلن الله له مخرجاً رحم الله عبداً حبس نفسه علینا، رحم الله عبداً احیا امرنا»^(۱) یعنی عبدالحمید! آیا گمان می‌کنی کسی که خودش را وقف خداوند متعال کند، خداوند فرجی برای او قرار نمی‌دهد. آری! والله یقیناً خداوند برای او گشایش قرار می‌دهد. خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را وقف برای ما کند. خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده نماید.

جالب است حضرت امام باقر(ع)، وقف نفس را بر اهل‌بیت علیهم السلام یا احیای امر ولایت همراه کرده است. یعنی آن که واقف نفس خود بر اهل‌بیت (ع) است، در زنده کردن امر ولایت ایشان و احیای شفاعت و یاد این بزرگواران سعی و تلاش دارد.

اسمی **مهدویت**؛ بهترین زمان اظهار مودت

به نظر می‌رسد که بعد از مراسم عزاداری، بهترین زمان برای آشکار کردن مودت اهل‌بیت (ع) ایام فرخنده مهدویت می‌باشند. دهه مهدویت میان وسیعی برای محبّ امام زمان(عج) باز می‌کند که به وفقنامه روز آلت عمل کرده و از دل و جان برای امر سرور، مجاهده و فعالیت می‌کند.«فَلْتَعَلَمَنَّکُمْ أَنّوَأَورَأَفَعَلَمَکُمْ بَعْزَشمه مُخَدِّقِینَ حَتّٰی نَمَنّٰ عَلیَنا بِکُمْ فَجَعَلَکُمْ فِی بَیوتِ اذِینَ اللهُ اَنْ تُرَفِّقَ وَ یَذَکَّرَ فیَها اَسمُهُ»

شبیفتگان، دلدادگان و واقفین دل و جان، باید هر لحظه الحمد بگویند که «فَدَمَ مَنْ اللهُ عَلَی المؤمنِینَ» از جانب حق تعالی صادر و بجول الهی



چراغ راه

نماز، کوبنده شیطان

قال الامام المهدی(عج): «فما ارفع انف الشیطان، افضل من الصلاة، فضلا و ارفع انف الشیطان»

امام مهدی (عج) فرمود: هیچ عملی بهتر از نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲

حکایت کیمیا

نشانه‌های آخرالزمان و ظهور امام‌مهدی(عج)

علایم و نشانه‌های آخرالزمان و ظهور امام‌مهدی(عج) بر حسب روایات چنین نقل شده است: ظلم و جور و ستم فراوان، فسق و فجور و فحشا، تجاوز به مردم، زنا و شراب‌خواری، عربانی زنان و بی‌نوبداری، آوازخووانی و غنا و ترانه‌سرایی، دنیاطلبی، حرام‌خواری و تجمل‌گرایی، امراض و بیماری‌های جدید و گوناگون، سیل و زلزله و قسطنی و خشکسالی، بلاها و حوادث ناگوار، شهادت و گواهی دروغ، دزدی و رباخواری، عدم احترام به پدر و مادر و سالخوردگان، حسادت و توهین به پدر و مادر، خدعه، نیرنگ و خیانت، ترویج نامهای زشت و ناپسند، زیارت حج برای تفریح و تجارت و رباکاری و خودنمایی، زائل شدن علم و دانش و ظهور و ترویج جهل و نادانی، پراکندگی در دین و دگرگونی اوضاع و احوال مردم، خروج از ولایت و امامت ائمه معصومین(ع)، غربت و عزلت و تنهایی شیعیان و مومنین، سطلنجویی آشرا و بدکاران، بلا و فتنه و آشوب، هرج و مرج و بے‌ماگری، قتل و غارت و کشت و کشتار و خون‌ریزی، ترس و دلهره و اضطراب شدید در میان مردم، اختلاف و گرفتاری و فتنه در میان مردم عرب و مسلمان و…^(۱)

۱- آثار الصادقین، ج ۲۹، ص ۳۶۷ تا ۳۹۱

پرسش و پاسخ

فلسفه غیبت امام زمان (عج)

پرسش:

با توجه به اینکه انسان برای سیر الی‌الله نیاز به امام معصومی دارد که حی و حاضر بوده و در مواقع ضروری قابل دسترسی باشد، چرا امام زمان(عج) از نظرها پنهان است و فلسفه غیبت آن حضرت چیست؟

پاسخ:

به طور کلی فلسفه غیبت حضرت ولی عصر(عج) به طور کامل برای ما معلوم نیست و همه ابعاد آن را نمی‌توان به طور شفاف بیان کرد، اما در مستندات روایی به مواردی از حکمت‌های آن اشاره شده است که ذیلا اهم آنها بیان می‌شود و دیگر حکمت‌ها بعد از ظهور آن حضرت آشکار خواهد شد.

۱- **ترس از کشته شدن**

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: لابد للغلام من غیبة، ققیل له: و لم یا رسول‌الله؟

قال: یخالف القتل. مهدی(عج) در حالی که پسرپیچ است غایب باشد. گفته شد:ای رسول خدا(ص) غیبت برای چه؟ حضرت فرمودند: می‌ترسد کشته شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۰)

البته در اینجا ترس فردی نیست، بلکه ترس از این است که زمین خالی از حجت الهی شود. بعضی می‌گویند: مگر خدا قدرت حفظ امام را ندارد؟ در پاسخ باید گفت: بله خداوند بر همه کارها احاطه داشته و قدرت انجام آنها را دارد. ولی می‌خواهد امور هستی بر طبق علل و اسباب و از طریق مجرای عادی و طبیعی انجام گیرد، و اگر برخلاف این باشد، دیگر نیدارد تکلیف، اختیار و امتحان نخواهد بود و به طریق اولی بهشت و جهنم عبث بوده و مفهومی نخواهد داشت.

۲- **مصونیت از بیعت باستمکاران**

حضرت ولی عصر(عج) پیش از رسیدن وقت ظهور و مامور شدن به قیام جهانی، ناچار نمی‌شود که مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفای وقت بیعت کند.

امام حسن(ع) می‌فرماید: «ان الله عزوجل یخفی ولادته، و یغیب شخصه، لئلا یکون لاحد فی عنقه بیعة اذاً خرج» خدای تبارک و تعالی ولادت او(امام زمان)عج) را از دیده‌ها پنهان می‌سازد تا هتنگامی که ظهور می‌کند، در گردن او بیعت با کسی نباشد.(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷)

۳- **جداسازی مومنان واقعی**

امام صادق(ع) پس از بیان تأخیر فریاد کوفرم نوح(ع) می‌فرماید: غیبت قائم به طول می‌انجامد تا حق روشن گردد و ایمان محض از تیرگی پاک شود و از شیعیان هر کس سرشت ناپاک دارد و بیم آن هست که اگر از امکانات وسیع و امن و امان گسترده در عهد قائم(عج) آگاه شود، منافقانه رفتار کند یا ارتداد آنها خالص و ناخالص از یکدیگر جدا شود. (همان، ج ۵۱، ص ۲۲۲)

۴- **آماده شدن اوضاع جهان و زمینه پذیرش**

یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان(عج)، زمینه پذیرش و آمادگی فکری بشر برای ظهور آن حضرت است، زیرا سیره و روش حکومتی آن حضرت، رعایت امور ظاهری و حکم به طواهری نیست، بلکه آن حضرت بر اساس واقعیات و بدون تقیه و مسامحه، به احقاق حقوق، رد مظالم، برقراری عدالت و اجرای تمام احکام اسلامی می‌پردازد.(نمود امن و امان، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ص ۱۸۸)

در روایات آمده است که در زمان ظهور حضرت علم، فرهنگ و آموزش به قدری رشد و توسعه می‌یابد که به فرموده امام باقر(عج) وقتی قائم ما قیام می‌نماید خداوند دست رحمت او را بر سر مردم می‌گذارد و بدین وسیله عقول آنان جمع و افکارشان کامل می‌گردد.(اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹)

سلوک عارفانه

خودتان را بر اساس تعلیم دینی بسازید

(بدان ای سالک راه حق!) بزرگترین و سخت‌ترین (ریاضت‌ها همین دینداری است. در روایتی که از حضرت علی(ع) هست که می‌فرماید: «الشریعة ریاضة النفس» اینین اسلام و احکام آن ریاضت و وزریدگی نفس می‌آورد. ما بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کاری که در عالم داریم و هیچ کاری از اطوار و شئون زندگی ما مهم‌تر نیست، این است که «خودمان را درست بسازیم.»^(۱)

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان، نکات اخلاقی از علامه طباطبایی، مورخ ۹۴/۲/۸

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir